

راهی به سوی تدوین معیارهای سلامت معنوی، از منظر وحی

محمدجواد ابوالقاسمی^۱

چکیده

مقدمه: موضوع سلامت معنوی به عنوان بعد چهارم سلامت، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد، ولی متأسفانه بنا به دلایلی همچون اختلاف در جهان‌بینی و ایدئولوژی و نوع نگرش به سلامت معنوی، اختلاف در تعاریف و حدود سلامت معنوی و فقدان معیارها و شاخص‌های لازم برای سنجش و پیمایش آن در افراد و جامعه، جایگاه آن در دانش و عملکرد پزشکی تثبیت نشده است. مطالعه حاضر با هدف تدوین معیارهای سلامت معنوی از دیدگاه وحیانی انجام شده است.

روش: در این مطالعه که به روش تحلیل مفهومی انجام شد، با بهره‌گیری از متون وحیانی، تلاش شده است برخی معیارها برای سلامت معنوی ارائه شود تا راه برای دیگر پژوهشگران جهت تدوین شاخص‌های کیفی و کمی سلامت معنوی هموار گردد.

یافته‌ها: در بخش اول این نوشتار، بخشی از آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) به عنوان مبانی و ادبیات نظری مرور شده و در بخش دوم آن ۷۰ معیار ارائه گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: معیارهای ارائه‌شده می‌تواند پس از اعتباربخشی و پیمایش‌های لازم و دریافت نظر خبرگان و اجرای آن در حوزه‌های محدود، به عنوان دست‌مایه اولیه، جهت تدوین شاخص‌های کیفی و حتی کمی سلامت معنوی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

سلامت معنوی، وحی الهی، معیار، ایدئولوژی

۱. عضو هیأت علمی سازمان مطالعه و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی سمت، عضو گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
Email: abolghasemi110@gmail.com

مقدمه

موضوع سلامت معنوی^۱ که در حوزه سلامت، به عنوان ضلع چهارم سلامت مطرح گردیده است (فرهنگستان علوم پزشکی، ۱۳۸۹ ش.)، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد، ولی متأسفانه تاکنون جایگاه شایسته آن در مراکز علمی و آکادمیک تثبیت نشده است. شاید بتوان گفت دلایل اصلی این که این بعد مهم هنوز نتوانسته است به عنوان یک رشته علمی و تخصصی جایگاه خود را در دانش و عملکرد پزشکی و فرا پزشکی تثبیت کند، موارد ذیل باشد:

۱- اختلاف در جهان‌بینی و نوع نگرش به سلامت معنوی، چون هر گروه با توجه به نوع نگاه و بینش کلی خود به نظام هستی و ماهیت انسان به سلامت معنوی نگاه می‌کند و در نتیجه با نگاه مادی‌انگارانه انسان، سلامت معنوی فقط در محدوده جسم و روان انسان تعریف شده و فقط ابزاری است که در اختیار پزشک و یا پرستار قرار می‌گیرد که با استفاده از شیوه‌هایی چون موسیقی و دعا، دردها و فشارهای بیمار را، به ویژه در بیمارانی که امید به ادامه حیات آن‌ها نیست، تسکین بخشند و روحیه بیمار را برای تحمل درد و یا تداوم درمان تقویت کنند، ولی در نگاهی که انسان را هم دارای بعد جسمانی می‌داند و هم بعد روحانی و برای روح و جان انسان، هویت مستقل قائل است؛ تعریف سلامت معنوی متفاوت می‌شود و سلامت معنوی نه تنها برای تسکین آلام بیمار و تقویت روحیه او در برابر بیماری و درمان مفید است، بلکه از این حد فراتر رفته و جایگاه برتری می‌یابد. در این نگاه، سلامت معنوی خود به عنوان درمانی مطرح می‌شود که می‌تواند بخش عمده‌ای از ناهنجاری‌های جامعه را درمان کند و به تعالی و رشد همه‌جانبه انسان در همه عرصه‌ها کمک کند. سلامت معنوی در این نگاه، سایه خود را بر بقیه ابعاد سلامتی می‌گستراند و مانند روح و جان در کالبد سلامت حلول می‌کند و خون

تازه را در کالبد سلامت همه جانبه جامعه جاری می سازد. موضوع و جایگاه سلامت در این نگاه، تنها درمان یا تسکین بیمار نیست، بلکه به دنبال کشف و اعتلای انسان سالم و کامل است.

۲- اختلاف در تعاریف و حدود سلامت معنوی که این اختلاف ناشی از اختلاف در جهان بینی و نوع نگرش به سلامت معنوی است که به آن اشاره شد.

۳- فقدان معیارها و شاخص های لازم برای سنجش و پیمایش سلامت معنوی در فرد و جامعه باعث گردیده است تا متخصصین علوم پزشکی که معیار تصدیق آنان سنجش و آزمایش است، به دیده علمی به سلامت معنوی نگاه نکنند.

شایان ذکر است که برای سلامت معنوی با توجه به نوع نگرش به موضوع و نوع جهان بینی پژوهشگران تعاریف مختلفی ارائه شده، ولی تعریفی که این مقاله بر آن استوار گردیده و در مقاله مفهوم شناسی سلامت معنوی بدان اشاره شده است، به شرح ذیل می باشد: «سلامت معنوی با نگاه محدود و حداقلی، عبارت است از بهره وری معنویت و امور معنوی در سلامت جسمی، ولی در نگاه غیر محدود و حداکثری عبارت است از حالت امنیت، اطمینان، آرامش و سکون قلبی و روحی که از اعتقاد و اعتماد به منبع و قدرتی برتر و متفاوت از عوامل مادی و پیرامونی که در فرهنگ اسلامی غیر از خداوند نمی تواند باشد، ناشی می شود و باعث افزایش امید، رضایتمندی و نشاط درونی می گردد و در نهایت با تقویت و معنی بخشی به دیگر اضلاع سلامت، چون سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و محیطی، منجر به سلامت و تعالی همه جانبه انسان و انسانیت می گردد» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱ ش). با عنایت به آنچه گذشت، در این نوشتار، در چارچوب تعریف ارائه شده برای سلامت معنوی که اشاره شد و همچنین با توجه به بیان عوامل بازدارنده آن، که در مقاله دیگر ارائه گردیده است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳ ش)، با بهره گیری از

مضامین وحی الهی (قرآن و احادیث معصومین (ع)، معیارها و نشانه‌هایی برای سلامت معنوی ارائه می‌گردد تا راه را برای دیگر پژوهشگران بگشاید و زمینه لازم برای تدوین شاخص‌های کیفی و کمی سلامت معنوی در فرد و جامعه پدید آید. در بخش اول این نوشتار، پس از مرور آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)، مبانی و ادبیات نظری مطالعه بیان گردیده و در بخش دوم آن، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، نشانه‌ها و شاخصه‌های سلامت معنوی با نگرش درون دینی ارائه و تبیین می‌گردد.

روش

در این مطالعه که به روش تحلیل مفهومی انجام شد، با بهره‌گیری از متون و حیانی، تلاش شده است برخی معیارها برای سلامت معنوی ارائه شود تا راه برای دیگر پژوهشگران جهت تدوین شاخص‌های کیفی و کمی سلامت معنوی هموار گردد.

یافته‌ها

۱- اصول و مبانی برگرفته از وحی

در ادبیات دینی، پایه اصلی و مبانی نظری بر دو رکن استوار است: اول، قرآن مجید؛ دوم، احادیث و روایت‌های معصومین (ع)، لذا در این قسمت به اجمال برخی از آیات و روایاتی را که معیارهای انسان سالم و معنوی را برشمرده است، مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱- شاخصه‌ها و معیارهای قلب سالم و معنوی از نگاه قرآن مجید: در

قرآن مجید معیارها، نشانه‌ها و ویژگی‌های انسان سالم و معنوی در قالب واژه‌هایی چون اولوالالباب، مؤمنین، متقین، فائزین، مفلحین، وارثین، عباد الرحمن و دیگر واژه‌های مشابه بیان شده است که در این مقاله فقط به سه واژه اولوالالباب، مفلحون و عباد الرحمن اشاره می‌شود. بدیهی است شرح همه آیات مربوطه قرآنی از حوصله این نوشته خارج است.

۱-۱-۱ اولوالالباب: اولوالالباب که صاحبان مغز، عقل و اندیشه متعالی می‌باشند، در قرآن مجید به عنوان نمونه‌ای از صاحبان قلب سلیم و انسان‌های متعالی معرفی گردیده‌اند که در این قسمت برخی از ویژگی‌ها با استفاده از آیات قرآن مجید تبیین می‌گردد.

در سوره آل عمران آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ آمده است: مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است» «همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): بار اله! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! * پروردگارا! هر که را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته‌ای! و برای افراد ستمگر، هیچ یآوری نیست! * پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی‌های ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آن‌ها) بمیران! * پروردگارا! آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ‌گاه از وعده خود، تخلف نمی‌کنی» (آل عمران: ۱۹۴-۱۹۰)

در این آیات، به نشانه‌ها و علامت‌های نهفته در آفرینش زمین اشاره گردیده و متذکر شده است که صاحبان خرد، مغز و اندیشه والا از آن علامت‌ها و نشانه‌ها برای ارتقا و کمال خود بهره می‌گیرند و به مرحله‌ای می‌رسند که در هر شرایطی قرار می‌گیرند، چه خواب باشند و چه بیدار، چه در حال تلاش باشند و چه در حال استراحت، غرق یاد خدا می‌باشند و دائماً در اندیشه عظمت و چگونگی آفرینش آسمان‌ها و زمین هستند و بر این نتیجه متمرکز می‌باشند که آفرینش آسمان و زمین بدون دلیل و فلسفه نیست و مجموعه آفرینش برای هدفی متعالی پدید آمده است، سپس با خداوند راز و نیاز می‌کنند و از خداوند درخواست می‌کنند:

- از کاستی‌های ما و ادا نکردن تکالیف ما در گذر و چشم‌پوشی کن.

- از بدی‌های ما در گذر و آن‌ها را ببوشان.

- ما را با انسان‌های برگزیده خودت همراه ساز.

- آنچه را که از طریق رسولانت به ما وعده دادی در حق ما ادا کن و در روز قیامت ما را شرمسار نساز.

این آیات، حالت اولوالالباب در ارتباط با خداوند را به خوبی ترسیم می‌کند و در آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره رعد ویژگی‌های اولوالالباب را در جامعه و در مواجهه با مردم تبیین می‌کند: «آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند...* آن‌ها که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند...* و آن‌ها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار میدارند و از پروردگارشان می‌ترسند و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند...* و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه

به آن‌ها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند، پایان نیک سرای دیگر، از آن آن‌هاست...» (رعد: ۲۲-۱۹).

با توجه به آرای مفسران قرآن و توضیحاتی که پیرامون آیه‌های ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره آل عمران و ۱۹ تا ۲۲ سوره رعد داده شد، می‌توانیم به ۱۳ نشانه و معیار برای انسان متعالی، سالم، معنوی و صاحبان عقل و دل‌های پاک و حقیقی اشاره نماییم که ۵ معیار در باب ارتباط آنان با خداوند می‌باشد و ۸ معیار در باب ارتباط با مردم می‌باشد (در ادامه مطالب، گفته خواهد شد).

۲-۱-۱- رستگاران و نجات‌یافتگان؛ مفلحون: در قرآن مجید رستگاران و نجات‌یافتگان که در روز قیامت با قلبی سالم محشور می‌گردند و در این دنیا به عنوان انسان‌های مطلوب و سالم شناخته می‌شوند، با عنوان «مفلحون» معرفی گردیده‌اند. آیات مرتبط به شرح ذیل می‌باشد: در آیات ۳ تا ۵ سوره بقره به ۵ نشانه اشاره شده است: ۱-۳/ (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. ۴/ و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند. ۵/ آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند. (بقره: ۵-۳)؛ در سوره آل عمران آیه ۱۰۴ سه معیار اساسی برای انسان متعالی آمده است: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند» (آل عمران: ۱۰۴) در این آیه سه نشانه برای انسان و جامعه مطلوب ارائه داده است.

- زبان و رفتار آن‌ها خیر است و با گفتار و کردارشان مردم را به سوی خیر و خوبی‌ها تشویق می‌کنند.

- همیشه به دنبال ترویج و گسترش کارهای شایسته و نیکو هستند، کارهایی که به نفع مردم و تأمین کننده رضای خداوند می باشد.

- از کژی ها و گفتار و رفتارهای ناشایست که مورد رضای خداوند نیست در رنج هستند و سعی در اصلاح و بازداري آنها دارند.

در آیه ۱۵۷ سوره اعراف و در سوره نور آیه ۵۱ به یکی دیگر از نشانه های انسان سالم و معنوی اشاره دارد: «همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند، پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند، آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد، اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده، پیروی نمودند، آنان رستگارانند» (اعراف: ۱۵۷).

یکی از معیارهای انسان متعالی در فرهنگ قرآن، پیروی بی چون و چرا از پیامبر اکرم (ص)، حمایت و یاری همه جانبه از ایشان و پیروی کامل از قرآن و سنت است. همین معیار در سوره نور مورد تأکید قرار گرفته است و خداوند بر پیروی بی چون و چرا از پیامبر اکرم (ص)، فرمان صادر کرده است و می فرماید: «سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و این ها همان رستگاران واقعی هستند.» (نور: ۵۱)؛ فلاح و رستگاری را در گروهی پیروی بدون حاشیه دانسته است.

در آیه ۸۸ سوره توبه بر جهاد و تلاش بی وقفه و همه جانبه در راه خداوند تأکید دارد و می فرماید: «ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و

جان‌هایشان جهاد کردند و همه نیکی‌ها برای آن‌هاست و آن‌ها همان رستگارانند!»
(توبه: ۸۸).

مهم‌ترین شاخصی که در این آیه بر آن تأکید شده است، عبارت است از: جهاد و تلاش همه‌جانبه و مستمر در راه خداوند، با سرمایه‌گذاری از مال و جان. علاوه بر معیارهای فوق، ده آیه آغازین سوره مؤمنون مانند منشوری است جامع که معیارها و نشانه‌های مهمی را برای انسان متعالی و معنوی مطرح کرده و برای پویندگان این راه، نویدهای زیادی داده است: «مؤمنان رستگار شدند (۱)، آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند (۲)، و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی گردانند (۳)، و آن‌ها که زکات را انجام می‌دهند (۴)، و آن‌ها که دامن خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند (۵)، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند (۶)، و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند! (۷)، و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند (۸)، و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند (۹)، (آری) آن‌ها وارثانند! (۱۰)» (مؤمنون: ۱۰-۱).

در آغاز سوره مؤمنون، معیارهای روشنی برای انسان‌های متعالی، سالم و معنوی بیان شده است که در پی خواهد آمد:

در آیه ۳۸ سوره روم، بر عنصر ادای حقوق خانواده و قشر آسیب‌پذیر جامعه تأکید نموده و آنان را پیروزمندان در زندگی معرفی کرده است.
«پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه‌ماندگان را ادا کن! این برای آن‌ها که رضای خدا را می‌طلبند، بهتر است و چنین کسانی رستگارانند» (روم: ۳۸).

در این آیه بر ادای حقوق خانوادگی و اجتماعی تأکید کرده و انسان‌های پیروز و موفق را کسانی می‌داند که: نسبت به حقوق خانواده و جامعه به ویژه نزدیکان،

تهی‌دستان و کسانی که با مشکل مواجه شده‌اند، اهتمام ویژه دارند و به شایستگی حقوق خانواده، درماندگان و در راه‌ماندگان را ادا می‌کنند.

در آیه ۲۲ سوره مجادله بر اصل تبری و دوری جستن از دشمنان و کینه توزان نسبت به خداوند و رسولان گرامی او تأکید شده و رستگاران این صحنه را حزب‌الله نامیده است.

«هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند، نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند، آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده و آن‌ها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، خدا از آن‌ها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند، آن‌ها «حزب‌الله» اند، بدانید «حزب‌الله» پیروزان و رستگارانند» (مجادله: ۲۲).

دوری جستن و تبری از دشمنان خداوند و کسانی که سر جنگ با فرمان‌های خداوند و رسول گرامی او دارند، به عنوان یکی از معیارهای انسان متعالی معرفی شده است، لذا نشانه ایمان این دانسته شده است که: هیچ‌گونه محبت و علاقه‌ای بین آن‌ها و بین دشمنان خدا و رسول خدا (ص) برقرار نمی‌گردد، هرچند آنان پدران، فرزندان، برادران یا خویشاوندان آن‌ها باشند.

در آیه ۹ از سوره حشر بر اصل تولی و مهرورزی متمرکز شده است و نشانه‌های برجسته آنان را بیان داشته است: «و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند، دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده، احساس نمی‌کنند و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان

بسیار نیازمند باشند، کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده‌اند، رستگارانند!» (حشر: ۹).

در این آیه بر دو معیار اساسی برای انسان‌های متعالی تأکید شده است. در سوره اعلی آیه ۱۴ و سوره شمس آیه ۹ خودسازی و تهذیب نفس را به عنوان علامت و نشانه انسان متعالی مطرح کرده است و می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى؛ به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد» (اعلی: ۱۴).

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده» (شمس: ۹).

در دو آیه فوق بر عنصر خودسازی و تزکیه نفس تأکید شده است و کسانی را پیروز میدان زندگی می‌داند که به تهذیب و تقویت نفس، روح و دل خود بپردازد، لذا مفلحان کسانی هستند که: برای نفس، جان، روح و قلب خود ارزش ویژه قائل هستند و همواره برای پاک‌نگاه‌داشتن آن تلاش می‌کنند و اگر آلودگی به سراغ آن‌ها آمد، در اسرع وقت ممکن برای پاکیزه کردن آن اقدام می‌کنند.

۳-۱-۱- بندگان خالص خداوند؛ عباد الرحمن: در سوره فرقان آیه‌های ۶۳ تا ۷۴ و همچنین سوره زمر آیه‌های ۱۷ و ۱۸، ۱۴ معیار و نشانه بندگان خاص خداوند که همان انسان‌های متعالی، سالم و معنوی می‌باشد را مطرح نموده که این معیارها می‌تواند به عنوان معیارهای جهانی اخلاق و معنویت مطرح گردد. در پایان، خداوند وعده‌های بزرگی به آنان داده و آینده رهروان این راه را تضمین کرده است.

«بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه

گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند) (۶۳)، کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند (۶۴)، و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و پردوام است! (۶۵)، مسلماً آن (جهنم)، بد جایگاه و بدمحل اقامتی است!» (۶۶)، و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند (۶۷)، و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند و انسانی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! (۶۸)، عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! (۶۹)، مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است! (۷۰)، و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، به سوی خدا بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد) (۷۱)، و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)، و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند (۷۲)، و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی‌افتند (۷۳)، و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (۷۴)، (آری)، آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می‌شود و در آن، با تحیت و سلام رو به رو می‌شوند (۷۵)، در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند، چه قرارگاه و محل اقامت خوبی! (۷۶) (فرقان: ۷۶-۶۳).

همان گونه که ملاحظه شد در سوره فرقان معیارها و نشانه های روشنی برای انسان های متعالی، مطلوب و کسانی که دل به خداوند سپرده اند، بیان شده است. آنان کسانی هستند که: درجات عالی بهشت در برابر شکیبایی شان به آنان پاداش داده می شود و در آن، با تحیت و سلام رو به رو می شوند، در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند، چه قرارگاه و محل اقامت خوبی! نشانه های ارائه شده، تصویری کامل از انسان متعالی، سالم و معنوی است

۲-۱- شاخصه ها و معیارهای قلب سالم و معنوی از نگاه احادیث

معصومین (ع): علاوه بر قرآن، در احادیث وارد شده از سوی معصومین (ع)، معیارها و شاخصه های فراوانی برای قلب سالم و انسان معنوی ذکر شده است و در کتاب هایی چون بحارالانوار، محجة البیضاء و... تحت عناوین مختلف صدها حدیث در این مورد وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می گردد:

۱- وقتی از پیامبر اکرم (ص) سؤال می شود که منظور از قلب سلیم چیست؟ دو معیار اساسی را بیان نمودند:

- دینداری که همراه شک و تردید و پیروی از خواهش های نفسانی نباشد.
- کردار و رفتاری که همراه با شهرت طلبی و خودنمایی نباشد^۲ (نوری، ۱۴۰۸، ق.۱).

۲- امام صادق (ع) نیز دو معیار ارائه می دهند:

- به دیدار و ملاقات پروردگار خودش می شتابد، در حالی که سودایی غیر از خداوند در سر ندارد.

- هر قلبی که شرک و شک در او جای داشته باشد، فاقد ارزش است^۳ (کلینی،

۱۳۶۵ ش.)

۳- در بیان دیگر امام صادق (ع) به معیار بسیار مهم دیگری برای سلامتی قلب اشاره می‌کند که قلب سالم عبارت است از: قلبی که عشق و علاقه مفرط به دنیا نداشته باشد^۴ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق.).

۴- و در بیان دیگر قلبی را سالم می‌داند که برخوردار از نیت و قصد پاک و صادقانه باشد.^۵

۵- علی (ع) حرکت مستقیم و معتدلانه را معیار و شاخص قلب سالم می‌داند و می‌فرماید: «از قلب و دل سالم غیر از معنای درست و معتدلانه صادر نمی‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق.).

۶- حضرت مسیح (ع) سه معیار اساسی برای قلب سالم که می‌تواند ظرف حکمت و دانش باشد، بیان می‌دارد:

- قلبی که شهوت‌ها و خواسته‌های نفسانی به او آسیب نرسانده باشد «شهوت‌ها آن را پاره نکرده باشد».

- قلبی که طمع و آز آن را آلوده نساخته باشد.

- قلبی که به خاطر برخورداری امکانات رفاهی و مادی دچار سختی نشده باشد^۶ (حرانی، ۱۳۶۳ ش.).

بنابراین قلبی که دچار شهوت، طمع و سختی و سنگدلی باشد، سالم نیست و نمی‌تواند مکانی برای دریافت حکمت و معرفت باشد.

۷- معیار و شاخصه دیگری که علی (ع) برای قلب سالم معرفی کرده‌اند، این است که: قلبی سالم است که هر چه را برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بپسندد^۸ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.).

۸- امام حسن (ع) بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین معیار و شاخص قلب سالم را پاک و منزهبودن از شبهه‌ها می‌داند^۹ (حرانی، ۱۳۶۳ ش.).

۹- پیامبر اکرم (ص) قلب و دل انسان‌ها را به ظروفی تشبیه کرده است که خداوند بر روی زمین پدید آورده است که این دل‌ها دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوانی می‌باشند و با توجه به شرایط و حالاتی که خواهند داشت، از جایگاه متفاوتی برخوردار می‌باشند و در این بین با ارزش‌ترین قلب، دلی است که از شرایط ذیل برخوردار باشد:

- صاف و صیقل خورده باشد و گناه و معصیت او را تاریک و آلوده نساخته باشد.
- در برابر برادران و هم‌کیشان خود رقیق و نرم باشد و فارغ از سختی و قساوت باشد.

- برای دفاع از حق و راه خداوند، پایدار و استوار باشد و با سرزنش، سرزنش‌کنندگان از میدان به در نرود.^{۱۰}

در فرهنگ اسلامی نشانه مسلمانی و ایمان را در این دانسته‌اند که فرد از نظر سلامتی روح و روان و ایمان و اعتقاد به جایی برسد که مردم از شر زبان و رفتار او در امان باشند نه با زبان مردم را بیازارد و سخن دروغ، ناسزا، غیبت، تهمت، افترا، استهزا و دیگر آزارها بر زبانش جاری شود و نه در معاشرت با مردم، خانواده و جامعه رفتاری از او سر بزند که باعث رنجش و نگرانی هم‌نوعان و به ویژه هم‌کیشان خود شود. امام صادق (ع) از پیامبر خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: آیا می‌خواهید به شما بگویم چرا به مؤمن می‌گویند مؤمن؟ برای این که مردم از ناحیه آن‌ها نسبت به جان و مالشان احساس امنیت و آرامش می‌کنند و باز ادامه دادند که آیا می‌خواهید بدانید مسلمان کیست؟ او کسی است که مردم را با زبان و رفتارش نمی‌آزارد و مردم از دست و زبان او آسوده هستند. زبان او نسبت به تمامی مردم خیر است و رفتار او نسبت به آنان مسالمت‌آمیز (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.).

همین مضمون در حدیث دیگر از امام محمدباقر (ع) نقل شده که فرمود: «ای سلیمان آیا دوست داری بدانی مسلمان کیست؟ گفتم جانم فدایت شما دانایان هستید، فرمود: مسلمان کسی است که مسلمانان از گزند زبان و رفتار او در امان باشند، سپس فرمود آیا دوست داری بدانی مؤمن کیست؟ مؤمن کسی است که مردم او را امین اموال و جانسان بدانند و از ناحیه آنها نسبت به مال و جانسان احساس خطر نکنند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق).

فرازهای پیش گفته به خوبی اهمیت دل نرم، ملایم، رفیق و مهربان را مورد ستایش قرار می دهد و به عنوان فرودگاه فیض و رحمت بی کران الهی معرفی می کند و نشانه مسلمانی و ایمان را در این می دانند که فرد از نظر سلامت روح و روان و ایمان و اعتقاد به جایی برسد که مردم از شر زبان و رفتار او در امان باشند.

۲- نشانه ها و معیارهای سلامت معنوی با نگرش درون دینی

با تجزیه و تحلیل مضامین آیات قرآن و احادیث وارد شده از سوی معصومین (ع) که در شماره ۱، گذشت می توانیم معیارها و نشانه هایی را برای تبیین و تعیین سطح و میزان سلامت معنوی در فرد و در جامعه ارائه دهیم تا پس از استقصاء، با روش های علمی توسط پژوهشگران به معیارهای عملیاتی و شاخص های کیفی و کمی تبدیل شود.

۱- در همه حال و احوال به یاد خداوند می باشند و یاد خداوند بر تمامی وجود آنها جریان دارد.

۲- همواره در حال تفکر و اندیشه پیرامون نظام هستی و آفرینش خداوند می باشند.

۳- بر این عقیده هستند که نظام آفرینش برای هدفی بزرگ آفریده شده است.

- ۴- همیشه به خاطر کاستی‌های خود و عدم تطابق خود با فلسفه و هدف نهایی آفرینش در رنج و تعب هستند.
- ۵- همواره از خداوند درخواست می‌کنند که در پیمودن اهداف آفرینش با ابرار و نیکان همراه باشند.
- ۶- امام صادق (ع) بیان داشته‌اند قلبی سالم است که تمامی کارهایی که انجام می‌دهد فقط برای خداوند باشد، نیت او در همه کارها فقط خداوند باشد و برای غیر خداوند قدمی برندارد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق.).
- ۷- دینداری که همراه شک و تردید نباشد.
- ۸- دینداری که حاصل پیروی از خواهش‌های نفسانی نباشد.
- ۹- کردار و رفتاری که همراه با شهرت‌طلبی و خودنمایی نباشد.
- ۱۰- به دیدار و ملاقات پروردگار خودش می‌شتابد در حالی که سودایی غیر از خداوند در سر ندارد.
- ۱۱- قلبی که شرک و شک در او جای داشته باشد، فاقد ارزش است.
- ۱۲- قلبی که عشق و علاقه مفرط به دنیا نداشته باشد.
- ۱۳- قلبی که برخوردار از نیت و قصد پاک و صادقانه باشد.
- ۱۴- علی (ع) حرکت مستقیم و معتدلانه را معیار و شاخص قلب سالم می‌دانند و می‌فرمایند: «از قلب و دل سالم غیر از معنای درست و معتدلانه صادر نمی‌شود».
- ۱۵- قلبی که شهوت‌ها و خواسته‌های نفسانی به او آسیب نرسانده باشد.
- ۱۶- قلبی که طمع و آز آن را آلوده نساخته باشد.
- ۱۷- قلبی که به خاطر برخورداری امکانات رفاهی و مادی دچار سختی نشده باشد.
- ۱۸- قلبی سالم است که هر چه را برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بپسندد.

- ۱۹- امام حسن (ع) بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین معیار و شاخص قلب سالم را پاک و منزّه بودن از شبهه‌ها می‌داند.
- ۲۰- صاف و صیقل خورده باشد و گناه و معصیت او را تاریک و آلوده نساخته باشد.
- ۲۱- در برابر برادران و هم‌کیشان خود رقیق و نرم باشد و فارغ از سختی و قساوت باشد.
- ۲۲- برای دفاع از حق و راه خداوند، پایدار و استوار باشد.
- ۲۳- با سرزنش، سرزنش‌کنندگان از میدان به در نرود.
- ۲۴- امام علی (ع) گفتار انسانی را نماد و گواه روشن از قلب و دل و سلامت معنوی آن می‌داند.
- ۲۵- بر عهد و پیمانی که از روز ازل در عرصه‌های مختلف با خداوند بسته‌اند، ثابت‌قدم می‌باشند و عهد خود را نه در برابر خداوند و نه در برابر مردم نمی‌شکنند.
- ۲۶- بر حرمت‌گزاری به رحم و ارتباط مستمر با آن‌ها و همچنین با دیگر مواردی که خداوند دستور ارتباط با آن‌ها را صادر کرده، ثابت‌قدم هستند و بر حسن ارتباط با دیگران پایبند می‌باشند.
- ۲۷- در برابر خداوند خاشع و خاضع هستند و مقهور ابهت خداوند هستند.
- ۲۸- همیشه نگران آینده و روز واپسین خود می‌باشند و دغدغه کردار و رفتار خود را دارند.
- ۲۹- برای خداوند و در مسیر به دست‌آوردن رضایت او و دستیابی به منزلت شایسته در نزد او، پایدار، استوار و صبور می‌باشند.
- ۳۰- این حالت خضوع و خشوع در برابر خداوند و نگرانی از روز واپسین، آن‌ها را متوجه نماز که اوج ارتباط با خداوند می‌باشد، می‌سازد.

- ۳۱- همین حالت پیش گفت علاوه بر ارتباط با خداوند آن‌ها را متوجه مردم می‌سازد و از طریق انفاق (سرمایه‌گذاری و هزینه) بخشی از هر آنچه در اختیار دارند، به صورت پنهان و آشکار به اصلاح جامعه می‌پردازند.
- ۳۲- همیشه سعی می‌کنند در مواجهه با مردم، بدی‌ها را با خوبی جبران کنند و در مواجهه با خداوند، خطاهایی که از آن‌ها سر می‌زند با انجام کارهای خوب جبران کنند.
- ۳۳- از هر گونه سبک‌سری و غرور و نخوت در راه‌رفتن و در خط مشی اجتماعی خودداری می‌کنند و با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند.
- ۳۴- نسبت به رفتار و موضع‌گیری جاهلانه که از سوی افراد نادان سر می‌زند، صبوری نشان می‌دهند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).
- ۳۵- عبادت و راز و نیاز شبانه را با معبود و محبوب خود مغتنم می‌شمارند و شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند.
- ۳۶- نسبت به کردار و گفتار خود نگران هستند و از عاقبت خویش هراسناک می‌باشند. به همین دلیل همواره در راز و نیاز خود با خداوند می‌گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و پردوام است!».
- ۳۷- خط مشی آنان اعتدال و میانه‌روی است، لذا هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.
- ۳۸- به جز خداوند معشوق و معبودی ندارند و برای غیر خداوند اثر و ارزشی قائل نیستند. او را حاکم و مالک مطلق می‌دانند و معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند.

- ۳۹- برای جان انسان‌ها ارزش و حرمت ویژه‌ای قائل هستند و تنها راضی به قتل کسی می‌شوند که طبق قانون الهی و در شرایط خاص چون «درنده خویی» باید در چارچوب ضوابط کشته شوند، لذا انسان‌ها و انسانی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز به حق نمی‌کشند.
- ۴۰- عفیف و پاک‌دامن هستند و حاضر نمی‌شوند با هر کس و هر جا ارتباط جنسی برقرار کنند و دامن خود را به حرام بیالایند.
- ۴۱- همواره درصدد انجام کارهای خیرخواهانه برای مردم و جهت کسب رضایت خدا هستند و اگر موفق نشدند یا کاری برخلاف مصالح مردم و رضای پروردگار انجام دادند، بر خود نگران می‌شوند و درصدد جبران آن برمی‌آیند.
- ۴۲- در رفت و آمدها و اتباطات اجتماعی خود بسیار حساس و محتاط هستند. شهادت به باطل نمی‌دهند و در مجالس باطل نیز شرکت نمی‌کنند.
- ۴۳- شرایط جامعه و محیط پیرامون را به خوبی درک می‌کنند و خود را درگیر مسائل جزئی و بی‌فایده نمی‌کنند و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.
- ۴۴- با آیات خداوند و تذکراهایی که از ناحیه خداوند و رسولان او دریافت می‌کنند، عالمانه و منصفانه برخورد می‌کنند و هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، مانند انسان کر و کور با آن مواجه نمی‌شوند.
- ۴۵- خانواده در نگاه آنان از جایگاه رفیعی برخوردار می‌باشد و همیشه تلاش می‌کنند که خانواده، همسران و فرزندان آن‌ها موجب افتخار و سربلندی آنان باشند؛ همواره می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!».

- ۴۶- به عالمی ورای این عالم و غیر از عالم شهود و ظاهر ایمان دارند و همه چیز را در این دنیای مادی خلاصه نمی کنند.
- ۴۷- از طریق برپاداشتن نماز به عنوان قله عبودیت، ارتباط خود و جامعه را با خداوند برقرار و مستحکم می سازند.
- ۴۸- از هر آنچه در اختیار دارند و خداوند به آن ها موهبت کرده است، برای اصلاح جامعه هزینه می کنند و خود را با مردم پیوند می زنند.
- ۴۹- به تمامی فرمان های الهی که بر پیامبر گرامی اسلام (ص) و دیگر پیامبران الهی (س) گردن می نهند و در عمل به آن ها کوشا می باشند.
- ۵۰- به جهانی غیر از این جهان، اعتقاد قلبی و التزام عملی دارند و زندگی را منحصر در این دنیا نمی دانند.
- ۵۱- با توجه به ویژگی های پیش گفته، خداوند هدایت و راهنمایی آن ها را تا رسیدن به سرمنزل مقصود عهده دار می شود و آن ها هم برای هدایت شدن کسی را غیر از خداوند به رسمیت نمی شناسند.
- ۵۲- از تجربه دیگران برای رشد و تعالی خود به خوبی استفاده می کنند و از نقد و انتقاد استقبال می کنند، همواره سخنان دیگران را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند.
- ۵۳- زبان و رفتار آن ها خیر است و با گفتار و کردارشان مردم را به سوی خیر و خوبی ها تشویق می کنند.
- ۵۴- همیشه به دنبال ترویج و گسترش کارهای شایسته و نیکو هستند، کارهایی که به نفع مردم و تأمین کننده رضای خداوند می باشد.
- ۵۵- از کژی ها و گفتار و رفتارهای ناشایست که مورد رضای خداوند نیست، در رنج هستند و سعی در اصلاح و بازداري آن ها دارند.

- ۵۶- پیروی بی چون و چرا از پیامبر اکرم (ص)، حمایت و یاری همه جانبه از ایشان و پیروی کامل از قرآن و سنت.
- ۵۷- جهاد و تلاش همه جانبه و مستمر در راه خداوند، با سرمایه گذاری از مال و جان.
- ۵۸- نماز را سبک نمی شمارند و هنگامی که به نماز می ایستند، در نمازشان خشوع دارند و با توجه به عظمت خداوند و جایگاه کبریایی او نماز را به جای می آورند.
- ۵۹- از لغو و بیهودگی در گفتار و رفتار روی گردانند و بر گرد کارهایی که در رشد و تعالی جسمی، روحی و ایمانی آنها نقش ندارد، نمی چرخند.
- ۶۰- حقوق اجتماعی و الهی که در دارایی های آنها وجود دارد، ادا می کنند و زکات را انجام می دهند.
- ۶۱- عفت و پاکدامنی را شیوه رایج خود می دانند و دامن خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می کنند.
- ۶۲- امانت داری را و وفاداری به عهد و پیمان را سرلوحه زندگی خود قرار می دهند و امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند.
- ۶۳- با توجه به این که قبولی نماز و حفظ ثواب آن در گرو رعایت های خاص می باشد، از نمازهایشان مواظبت می نمایند و در حفظ آن می کوشند و سعی می کنند نماز را در وقت مخصوص خود بخوانند.
- ۶۴- خود را نسبت به گذشتگان و آیندگان بی تفاوت احساس نمی کنند و خداوند هم آنها را بی پاداش نمی گذارد، (آری)، آنها وارثانند! و به دلیل همین احساس مسؤولیت و اقداماتی که انجام می دهند، وارث آینده و همچنین بهشت می باشند.

۶۵- نسبت به حقوق خانواده و جامعه به ویژه نزدیکان، تهیدستان و کسانی که با مشکل مواجه شده‌اند، اهتمام ویژه دارند و به شایستگی حقوق خانواده، درماندگان و در راه‌ماندگان را ادا می‌کنند.

۶۶- هیچ‌گونه محبت و علاقه‌ای بین آن‌ها و بین دشمنان خدا و رسول خدا برقرار نمی‌گردد، هرچند آنان پدران، فرزندان، برادران یا خویشاوندان آن‌ها باشند.

۶۷- نسبت به هم‌کیشان و مهاجران فی سبیل‌الله علاقه ویژه‌ای دارند و بدون هیچ چشم‌داشتی آنان را بر خود مقدم می‌دارند و امکانات خود را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند.

۶۸- از هر گونه فزون‌خواهی و ویژه‌خواری پرهیز می‌کنند و نسبت به امکاناتی که در اختیار دیگران قرار می‌گیرد، بخل نمی‌ورزند.

۶۹- برای نفس، جان، روح و قلب خود ارزش ویژه قائل هستند و همواره برای پاک‌نگاه‌داشتن آن تلاش می‌کنند و اگر آلودگی به سراغ آن‌ها آمد، در اسرع وقت ممکن برای پاکیزه‌کردن آن اقدام می‌کنند.

۷۰- آسوده‌خاطر بودن مردم از گزند زبان و رفتار آنان؛ امام صادق (ع) از پیامبر خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: آیا می‌خواهید به شما بگویم چرا به مؤمن می‌گویند مؤمن؟ برای این که مردم از ناحیه آن‌ها نسبت به جان و مالشان احساس امنیت و آرامش می‌کنند و باز ادامه دادند که آیا می‌خواهید بدانید مسلمان کیست؟ او کسی است که مردم را با زبان و رفتارش نمی‌آزارد و مردم از دست و زبان او آسوده هستند.

نتیجه‌گیری

برای دستیابی به معیارها و نشانه‌هایی که بتواند زمینه‌ساز تدوین شاخص‌های کیفی و کمی سلامت معنوی در فرد و جامعه باشد، صدها آیه و حدیث رسیده از معصومین (ع) به عنوان مبانی نظری و اصول کلی مرور گردید و با تجزیه و تحلیل آن متون، حدود ۷۰ معیار برای سلامت معنوی در فرد و جامعه ارائه شد که این معیارها می‌تواند پس از اعتباربخشی و پیمایش‌های لازم و دریافت نظر خبرگان و اجراکردن آن در حوزه‌های محدود^{۱۱}، به عنوان دست‌مایه اولیه جهت تدوین شاخص‌های کیفی و حتی کمی سلامت معنوی مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Spiritual Health

۲. مستدرک الوسائل، جلد اول، ص ۱۱۳، حدیث ۱۲۴؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۴، حدیث ۱۶۹۲۹.
۳. اصول کافی، جلد دوم، ص ۱۶، حدیث ۵؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۴، حدیث ۱۶۹۳۰.
۴. نورالثقلین، جلد چهارم، ص ۵۸، حدیث ۵۰؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۴، حدیث ۱۶۹۳۱.
۵. نورالثقلین، جلد چهارم، ص ۵۸، حدیث ۵۱؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۴، حدیث ۱۶۹۳۲.
۶. غررالحکم، حدیث ۱۰۸۷۴؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۴، حدیث ۱۶۹۳۴.
۷. تحف العقول، ص ۵۰۴؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۴، حدیث ۱۶۹۳۵.
۸. بحار الانوار، جلد هفتاد و هشتم، ص ۸، حدیث ۶۴؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۶، حدیث ۱۶۹۳۶.
۹. تحف العقول، ص ۲۳۵؛ میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۴، حدیث ۱۶۹۳۷.
۱۰. این متن از دو حدیث از پیامبر اکرم (ص) برداشت شده که در کنز العمال حدیث ۱۲۲۵ و نوادر راوندی ص ۷ آمده و در میزان الحکمه، جلد دهم، ص ۴۹۸۰ به شمارگان ۱۶۹۱۳ و ۱۶۹۱۴ بیان گردیده است.

11. Case Study

فهرست منابع

الف - منابع فارسی:

- حرانی، ابومحمدحسن. (۱۳۶۳ ش.). تحف/العقول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین، چاپ دوم، صص ۲۳۵، ۵۰۴.
- فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۹ ش.). جستاری در سلامت معنوی. مجموعه مقاله‌های همایش مقدمه‌ای بر سلامت معنوی، تهران: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ص ۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ ش.). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهار جلدی، جلد دوم، ص ۱۶.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۷ ش.). میزان/الحکمه. مترجم حیدر رضاشیخ، قم: دارالحدیث، چهارده جلدی، جلد دهم، ص ۴۹۸۴.

ب - منابع عربی:

قرآن مجید.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ ق.). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم، دارالکتاب الاسلامیه، حدیث ۱۰۸۷۴.

عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق.). *تفسیر نورالثقلین*. محقق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، پنج جلدی، جلد چهارم، ص ۵۸.

علی ابن ابیطالب (ع). (۱۴۱۴ ق.). *نهج البلاغه*. محقق صبحی صالح، قم: نشر هجرت، نامه ۳۱.

فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ ق.). *تفسیر الصافی*. تهران: انتشارات الصدر، پنج جلدی، جلد چهارم، ص ۴۲.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: دارالاحیای التراث العربی، چاپ دوم، یکصد و ده جلدی، جلد شصت و چهارم: صص ۶۱، ۳۵۴؛ جلد هفتاد و هشتم: ص ۸.

نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ق.). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت لإحيای التراث، چاپ اول، هجده جلدی، جلد اول، ص ۱۱۳.

ج - منابع انگلیسی:

Abolghasemi, MJ. (2012). Semantics of Spiritual Health and its Religious Scope. *Med Ethics J.* 6(20): 45-68.

Abolghasemi, MJ. (2014). Inhibiting factors of spiritual health. *History Med J.* 6(21): 211-233.

یادداشت شناسه مؤلف

محمد جواد ابوالقاسمی: عضو هیأت علمی سازمان مطالعه و تدوین کتابهای درسی دانشگاهی سمت، عضو گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

پست الکترونیک: abolghasemi110@gmail.com

Towards development of spiritual health criteria from the perspective of Afflatus

Mohammad Javad Abolghasemi

Abstract

Background: Spiritual health issue as the fourth dimension of health has great importance, but unfortunately, due to many reasons such as differences in Ideology and attitude to spiritual health, and differences in its definitions and limitations, necessary criteria and indicators for its assessment and survey among the individuals and society, its role in medical knowledge and practice has not been established.

Method: In this study using concept analysis method and the afflatus, we has tried to offer some criteria for the spiritual health, to open way for another researchers to develop qualitative and quantitative indicators of the spiritual health.

Results: In the first part of this article, in part, the Qur'an and the traditions of the Infallible Imams as a basis for theoretical literature reviewed, and in the second part, 70 criteria has introduced.

Conclusion: These criteria can be applied after survey, accreditation and the opinions of experts, and its implementation in limited areas, as the primary source for the development of qualitative and even quantitative indices of spiritual health.

Keywords

Spiritual Health, Afflatus, Ideology, Criteria

Please cite this article as:

Abolghasemi, MJ. (2017). Towards development of spiritual health criteria from the perspective of Afflatus. *Med History J.* 8(29): 17-43.